

# جنگ قدرت

## ریشه‌های فساد و رانت خواری در فضای تورمی

دکتر غلامحسین عبیری



زمینه فساد و ارتشا، صرفنظر از نوع ساختار حکومت‌ها، همواره نمادی از فروپاشی هرم قدرت به‌شمار می‌رود.

سازمان‌های غیررسمی، همواره تهدیدی است برای دور کردن افراد از حالت تعادل و عاملی است برای حرکت به سوی رقابت مخرب و با اتکای به سازمان‌های کنترلی نمی‌توان اینگونه رفتارهای مخرب را به رفتارهای سازنده تغییر داد.

پذیرش و انتخاب نیروهای انسانی هم در یک چارچوب آزاد و رقابتی صورت نمی‌گیرد و ما همه محدود به کار کردن در یک فضای مشخص و معین هستیم. به عبارت ساده‌تر، مدیریت حق انتخاب محدودی برای سازمان زیرمجموعه خود دارد. لذا باید در یک تعامل اجتماعی، با نیروهای تحت سرپرستی خود کنار بیایید و به اصطلاح با آنها "مماشات" کند.

این فضای محدود، توان مدیر را برای تغییر و تحول تحلیل می‌برد و قدرت ریسک‌پذیری مدیر را کاهش می‌دهد. توضیح آن که سرمایه‌های انسانی بار مسوولیت یک انسان اقتصادی را همواره بر دوش دارند.

در ابعاد خرد، رابطه انسان با فساد مالی همواره عبور از چالش‌های اقتصادی پیش‌رو است، چالش‌هایی که کمابیش تمامی افراد با آن درگیر هستند و تنها در شرایطی این محدودیت عامل تعارض و نافرمانی نمی‌شود که انسان اقتصادی به یک درجه از بلوغ فکری رسیده باشد و از نظر سلسله مراتب نیازها در مرحله منزلت اجتماعی قرار گرفته باشد. در غیراین صورت، حرکت به سوی کسب درآمدهای

### مقدمه

رویدادهای خاورمیانه و روند تحولاتی، همچون فرایند اصلاح طلبی در تونس و مصر تا جنب و جوش‌های لیبی و مراکش، همه در یک پیام مشترک هستند و آن هم این واقعیت است که ریشه‌های فساد مالی در ساختار حکومت‌هاست. حساب‌های میلیون‌دلاری حاکمان در بانک‌های بین‌المللی و گنجینه‌های طلاهای شخصی، هشدارهایی هستند که آسیب‌پذیری جامعه امروزی را اعلام می‌کنند و نشان می‌دهند که زمینه فساد و ارتشا - صرفنظر از نوع ساختار حکومت‌ها - همواره نمادی از فروپاشی هرم قدرت به‌شمار می‌رود.

در این میان، پرسش اصلی آن است که چه شرایطی باعث شده‌اند که معدودی از جوامع همچون کشورهای حوزه اسکانندیناوی، یعنی سوئد، نروژ، بلژیک، دانمارک و ... از این دام و تله فاصله بگیرند و هرم قدرت در این کشورها بر روی دوش تمامی طبقات جامعه قرار بگیرد؟ اما برعکس شرایط کشورهای در حال رشد، توسعه نیافته و فقیر از این دام رهایی نیافته و روز به روز فضای فساد و ارتشا گسترده‌تر می‌شود؟ آیا فهم تاریخی ناشی از فروپاشی ساختارهای حکومتی کافی نیست تا به ما بیاموزد که مواظب شیوع و غلبه این بیماری باشیم؟ به‌راستی چگونه باید ساختار قدرت را سازماندهی کنیم تا از این آسیب‌پذیری فاصله بگیریم؟ آیا سازمان‌های کنترلی می‌توانند جلوی این نارسایی را بگیرند، یا خود آنها نیز در آتش این فساد خواهند سوخت؟ تحلیل پیش‌رو نگاهی است به ریشه‌های فساد در جوامع در حال توسعه.

### ابعاد خرد مسأله

پدیده انسان اقتصادی و اصل سیری‌ناپذیری، موضوعی است که محور تمامی نگرانی‌های اجتماعی است.<sup>(۱)</sup> انسان اقتصادی، عاملی کلیدی در حوزه تولید کالاها و خدمات است. روند توسعه جوامع همواره حول و حوش سرمایه‌های انسانی آن جوامع دور می‌زند. گردش غلط اطلاعات همواره مسیر تغذیه سرمایه‌های انسانی را از حالت مطلوب دور می‌کند و شرایط ناسازگاری را برای انسان فراهم می‌سازد.

روابط بین انسان‌ها در چارچوب سازمان‌های غیررسمی، تهدیدی از لحاظ ایجاد عدم تعادل در بنگاه‌های اقتصادی است. وجود انسان‌های اقتصادی فرصت‌طلب در مجموعه

شورش های اجتماعی در کشورهای  
چون تونس، مصر، لیبی و مراکش را  
هم می توان از همین دیدگاه تحلیل  
کرد.



روابط بین انسان ها  
در چارچوب  
سازمان های  
غیر رسمی، تهدیدی  
از لحاظ ایجاد عدم  
تعادل در بنگاه های  
اقتصادی است.

در ابعاد کلان این نیست که عدم شایستگی دولت ها را مورد تأکید قرار دهیم، بلکه برعکس هدف اثبات وجود آن بخش از فساد مالی است که به دلیل نارسایی در شیوه کنترل - اداری، سیاسی و تخصصی - امکان موفقیت و فایز آمدن بر معضل فساد را کاهش می دهد.

نکته جالب توجه، وجود آن دسته از دولت ها است که گرچه با جنگ داخلی روبرو هستند، یا سطح تعارض های اجتماعی آنها در ابعاد کاملاً گسترده ای است، با وجود این، سطح فسادشان هم بسیار گسترده است. مراجعه ای به آمار و اطلاعات سازمان های شفاف سازی نشان می دهد که بیشتر کشورهای در حال رشد به شکلی با مسأله فساد درگیر هستند. بدیهی است که پدیده هایی مانند "مقابله با پولشویی" می توانند به شکل کاملاً اثربخشی با فساد برخورد کنند و مجاری ارتباطی آن را شناسایی نموده و در مواردی مسدود سازند.<sup>(۳)</sup>

در سطح کلان، دولت ها عامل اصلی هدایت منابع مالی به شمار می روند و ساختار دولت - نحوه شکل گیری و ساخت هرم قدرت - به شکلی طراحی می شود که محیط مناسبی برای رانت های اطلاعاتی بوجود آید. تعامل کارگزاران بخش خصوصی و مدیران دولتی از دیگر مواردی است که بستر تنش های مالی را فراهم می سازد. به طور معمول، گردش نقدینگی در شرایط ناسالم اقتصادی، تزریق سرمایه به

نامشروع و استفاده از رانت های اطلاعاتی، همواره یک عامل انگیزشی قوی برای پذیرش فساد به شمار می رود.

در ابعاد خرد، انسان همواره متأثر از رفتارهای محیطی است و الگوی مصرف دیگران تهدیدی برای حرکت به سوی عدم تعادل به شمار می رود. الگوی تعدد مشاغل و عبور از کاستی های اجتماعی، زندگی در کلانشهرها و رقابت های ناسالم، همه و همه تأییدی هستند برآمدگی جامعه برای ایجاد ارتباط با فساد مالی و این پدیده در سطح گسترده ای پراکنده است. گستردگی حجم فساد مالی تهدیدی است بالقوه که انسان اقتصادی فرصت طلب را در شرایطی قرار می دهد که رفتارهای اجتماعی خود را مطابق الگوهای کلان جامعه تطبیق دهد، هر چند که آثار نامطلوب این آمیزش غلط را در رفتارهای خودشناسایی کرده باشد.

### ابعاد کلان مسأله

در ابعاد کلان، موضوع متفاوت است و رانت های اطلاعاتی به ناچار کارگزاران سیاسی را در شرایطی قرار می دهد که فضای تصمیم گیری را به سمت فرصت سازی برای فساد تغییر دهند. به عبارت دیگر، ساختار قوانین و مقررات به شکلی سازماندهی شده است که محیط مناسبی را برای "رانت خواری" ایجاد می کند.

حجم گسترده سرمایه گذاری در طرح های عمرانی، نمونه روشنی از این محیط نامناسب برای ایجاد فرصت در کسب درآمدهای غیرمتعارف است. ریسک پذیری و سبزی ناپذیری، از جمله مشخصه های انسان اقتصادی هستند که در فضای کلان پروژه های بزرگ، زمینه مناسبی را برای مال اندوزی و کسب ثروت های بادآورده فراهم می سازند.

در ابعاد کلان، حجم فعالیت ها در سطحی گسترده است که امکان کنترل و نظارت بر آن ها فراهم نیست و محیط کاری مناسبی را برای ارتشاهای فراهم می کند. نظام مالی حاکم بر این گونه طرح ها، به شکلی سازماندهی شده است که هر نوع مفسده مالی، نوعی درآمد مشروع تلقی می شود و به سهولت دستگاه های کنترلی نمی توانند فضای ارتشاهای محدود سازند یا در از بین بردن آن ها کامیابی داشته باشند. به طور معمول، در سطح کلان مفاصل اقتصادی زیر چتر قوانین و قدرت سیاسی پنهان می شوند و افراد توان برخورد با آن ها را ندارند. تنها در شرایط رقابتی و گردش جریان اطلاعات است که این مشکل و معضل اجتماعی محدود می شود و رو به ضعف می گذارد، زیرا برخوردها و واکنش های اجتماعی در مقابل مسأله ایستادگی می کنند.

ابعاد گسترده دولت هم از جمله مواردی است که فضای ارتشاهای پنهان می سازد. به عبارت دیگر، زیر پوشش دولت های ناکارآمد، فساد مالی بوجود می آید و فرصت طلبی های ناشی از قدرت اجتماعی و نفوذ در دستگاه ها، محیط ناسالمی از فساد را فراهم می آورد. در این صورت، ریشه کن کردن فساد تقریباً غیرممکن است و تنها می توان قدرت نفوذ آن به سایر بخش های جامعه را محدود نمود.

اقتدارطلبی و مدیریت متمرکز، از دیگر عوامل نگران کننده و مؤثر در گسترش فساد در سطح کلان است.<sup>(۴)</sup> هدف از بررسی



انبوه بیکاران هم‌ارزش مناسبی است برای انتقال ثروت از طریق فعالیت های کاذب.

بدنه طرح‌های عمرانی را ممکن می‌سازد و یک پروژه چند صدمیلیونی به سوی پروژه‌ای چند میلیاردی تغییر جهت می‌دهد و عدم کنترل‌های تخصصی هم باعث می‌شود که افراد به سهولت به منابع مالی غیرقابل توجیهی دست یابند. درآمدهای نامشروع یا غیرقابل توجیه، به دلیل عدم دسترسی به سازوکار قیمت‌گذاری عوامل تولید از یکسو و کالا و خدمات از سوی دیگر است. بازارهای انحصاری و شرایط بازی در رقابت‌های ناسالم، از دیگر عواملی است که محیط فساد مالی را تهییج می‌کند. دولت‌ها آگاهانه یا ناخودآگاه در دام رانت‌های اطلاعاتی می‌افتند و ناخواسته فضای ارتشا تشدید می‌گردد. این معضل در بیشتر کشورها همچون تونس، مصر، لیبی، مراکش و ... دیده می‌شود.

### جامعه اطلاعاتی و فساد مالی

جامعه اطلاعاتی به جامعه‌ای اطلاق می‌شود که کانون اقتصادی آن را خدمات اطلاعاتی تشکیل می‌دهند<sup>(۴)</sup> منشأ قدرت در این جامعه، کنترل فناوری و غنی‌سازی سرمایه



انسانی است. مراکز تصمیم‌گیری را هم تکنولوژی فکر و ظرفیت‌سازی ذهنی شکل می‌دهند. این عوامل، زمینه‌ساز مدیریت غیرمتمرکز هستند و تعارض اصلی با جوامع اقتدارگرا از همین مرحله بوجود می‌آید.

کشورهای در حال توسعه در فرایند گذار به جامعه اطلاعاتی، با محدودیت‌هایی روبرو هستند و مرکز ثقل آن هم جایگاه محوری انسان است. در این شرایط، ساختار دولت‌ها توانایی لازم برای انتقال قدرت از سرمایه مادی به سرمایه انسانی را در خود نمی‌بیند. این عدم تعادل، فضای اقتصادی را برای اصلاحات محدود می‌سازد و افراد برای حفظ تعادل خود راهی جز پناه بردن به سرمایه مادی نمی‌یابند. همین امر انسان اقتصادی را ناگزیر در شرایط نامطلوب ارتشا قرار می‌دهد. به عبارت ساده‌تر، فساد مالی، محصول یک جامعه ناسالم است و نمی‌توان این گرایش را از محیط اجتماعی آن حذف نمود.

در غرب، جامعه اطلاعاتی محصول گذار از جامعه صنعتی است و فضای بوروکراسی را پشت سر گذاشته است. این گذار برای جوامع توسعه نیافته میسر نشده و امکان توفیق در فرآیند توسعه پایدار را از آن‌ها گرفته است. نکته دارای اهمیت در

حرکت به سوی کسب درآمدهای نامشروع و استفاده از رانت‌های اطلاعاتی، همواره یک عامل انگیزشی قوی برای پذیرش فساد به‌شمار می‌رود.

این میان انحراف "خدمات اطلاعاتی" از بهره‌وری و اثربخشی بر ساختار و حرکت به سوی رانت‌های اجتماعی است. گسترش فساد مالی به سوی جامعه اطلاعاتی، تهدیدی جدی در مقابل فناوری‌های ارتباطی است و کارایی این فناوری را از بین می‌برد. در عمل سوء استفاده و یا به عبارت دیگر، انحراف فناوری به محیط‌های بازدارنده و ناسالم است که محیط جامعه اطلاعاتی را برای فساد تحریک می‌کند. اطلاعات به عنوان یک نهاده قوی که می‌تواند سیستم را متحول سازد و تحرک گسترده‌ای را به بنگاه اقتصادی بدهد، برای جوامع ایستا نقشی مخرب دارد و حرکت انسان در محیط رقابتی را عملاً به یک مجموعه رفتاری بازدارنده بدل می‌کند.

ورود به جامعه اطلاعاتی، یک الزام اجتماعی-اقتصادی است و نمی‌توان بی‌اعتنا از کنار آن عبور کرد و توجهی به آثار آن نداشت. جامعه اطلاعاتی در کلانشهرها و محیط‌های شهری پویا، نقشی کلیدی دارد و اشتغال‌زا عمل می‌کند. بنابراین، دولت‌ها می‌توانند از این فضا بهره‌برداری کنند، اما موفقیت در این راستا، منوط به پذیرش جایگاه ارتباطات و اطلاعات در پویاسازی سیستم خواهد بود. پذیرش این امر مشروط به دادن جایگاه و اعتباری در خور شأن به جامعه اطلاعاتی است. از این رو، جامعه اطلاعاتی با فساد مالی دستگاه‌های بوروکراتیک، ناسازگار است. در این رویارویی، فساد مالی تنها در صورتی موفق عمل خواهد کرد که موتور محرکه جامعه اطلاعاتی را تخریب نماید. این تعارض، اجتناب‌ناپذیر است و دولت‌ها باید برای آن آماده شوند تا محیط فساد مالی را محدود سازند.

شفاف شدن دولت‌ها در امر مدیریت مالی دستگاه‌ها، از شاخص‌های مهم توسعه یافتگی است و امروز برای هدایت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) از این شاخص بهره‌برداری می‌شود.<sup>(۵)</sup> فاصله بین شاخص شفافیت از بهترین حالت ده تا صفر، فاصله زیادی است و نشان می‌دهد که فاصله بین کشورهای

حرکت به سوی کسب درآمدهای نامشروع و استفاده از رانت‌های اطلاعاتی، همواره یک عامل انگیزشی قوی برای پذیرش فساد به‌شمار می‌رود.

که می‌توان دامنه این‌گونه فساد را محدود ساخت. دولت موظف است که در بازار کالاهای عمومی وارد صحنه شود و عرضه این کالاها و خدمات را تسهیل نماید. در مقابل، کالاهای عمومی از مکانیسم قیمت‌گذاری بازار تبعیت نمی‌کنند، ولی فضای سایر کالاها و خدمات را برای قیمت‌گذاری تغییر می‌دهند.

تصمیم‌گیری باید در یک محیط شفاف، سالم و با تعامل مثبت پا به عرصه وجود گذارد. در غیر این صورت، این سرآغاز انحراف است و نمی‌توان به آثار تصمیم‌گیری، به ویژه آثار جانبی آن در شرایط متعارف پی برد، اما در میان مدت و یا بهتر بگوییم در درازمدت، آثار سوء خود را برجای می‌گذارد.

رانت‌خواری زیرچتر تصمیم‌گیری‌های کلان‌گسترده می‌شود و فساد برانگیز است. نویسنده بر این باور است که رانت‌خواران و افرادی که به فساد مالی متهم می‌شوند، هر دو گروه، از فضای ناسالم جامعه استقبال می‌کنند و حفظ وضع موجود را اولی می‌دانند. مشخصه هر دو گروه، فاصله گرفتن از درآمدهای مشروع است و توانایی‌های خود را صرف دور کردن منابع مالی و نزدیک شدن به هرم قدرت برای جذب منافع می‌دانند.

**نظام مالی حاکم بر طرح‌های عمرانی، به شکلی سازماندهی شده است که هر نوع مفسده مالی، نوعی درآمد مشروع تلقی می‌شود!**



**فساد مالی محصول یک جامعه ناسالم است.**

محیط اقتصادی تورم‌زا، گرایش افراد برای کسب درآمد از طریق ورود و خروج از بازار بدون کسب مطلوبیت نهایی مصرف و تنها به اتکای کسب درآمد اضافی با انتقال قیمت‌های کاذب به سایر اقشار جامعه را افزایش می‌دهد. روند بی‌رویه افزایش قیمت‌ها بدون کسب مطلوبیت، مشکل بزرگی را پیش روی دادوستد اقتصادی جامعه می‌گذارد و افراد حسب میزان برخورداری از اطلاعات مرتبط به تغییر قیمت‌ها و حمایت در فضای انحصارگرا، درآمدهای تصادفی بزرگی را کسب می‌کنند. از اینرو، کارگزاران سیاسی، محیط تورمی اقتصاد را برای انتقال ثروت از گروه‌ها و طبقات اجتماعی هدف، مناسب می‌دانند و سیاست‌های تورمی را در دستور کار قرار می‌دهند. در عمل تلاش کارگزاران سیاسی صرف جابجایی ثروت از طریق تصمیم‌گیری بر مبنای برهم زدن نظم اقتصادی بازار- عرضه و تقاضا- می‌شود. به عبارت دیگر، تحقق اهداف سیاسی از طریق بکارگیری ابزار اقتصادی تسهیل می‌شود. این گرایش با جنگ قدرت همراه است و در نهایت طبقات کم درآمد را از صحنه فعالیت‌های اقتصادی دور می‌کند. حجم انبوه بیکاران هم ارتش مناسبی برای انتقال ثروت از طریق



صنعتی و در حال توسعه بسیار زیاد است. این شکاف در شیوه‌های رفتاری مردم- پرداخت مالیات- تأثیر زیادی گذاشته است.

## رانت‌ها

فضای تصمیم‌گیری‌های دولتی آنچنان شکل گرفته است که هر نوع تصمیمی منجر به ایجاد تغییر در محیط می‌شود. این تغییرات برای یک مجموعه امکان ارتقا و بهبود و برای مجموعه دیگر هزینه فرصت از دست رفته را به همراه دارد. اجرای طرح‌های توسعه شهری، اتوبان‌ها، گسترش فضای سبز و ده‌ها مورد دیگر نمونه‌های خوبی هستند که در همین دو دهه گذشته تغییرات بنیادینی را در جوامع ایجاد کرده‌اند.

اما رانت‌ها در عمل فضای تصمیم‌گیری را تغییر می‌دهند و بر طرح‌های عمرانی اثر می‌گذارند. فساد مالی از آنجا شروع می‌شود که کارگزاران تحت شرایط کاملاً قابل کنترل، منابع مالی را از یک مجموعه فعالیت به مجموعه دیگر هدایت می‌کنند و در این بین، درآمدهای کلانی را نصیب افرادی می‌کنند که خود را درگیر مسایل تصمیم‌سازی کرده‌اند.

اگرچه برخی از صاحب‌نظران فساد مالی را از موضوع رانت‌خواری جدا می‌سازند، اما در عمل هر دو یک نتیجه را به همراه دارند و آن هم کسب درآمدهای نامشروع است، درآمدهایی که از پشتوانه کار، تلاش و بهره‌وری، برخوردار نیستند.

حجم رانت‌خواری بسیار گسترده است و جامعه رانت‌خوار (Rent Seeking Society) مختصات فساد مالی را در خود جای داده است. هر دو این موضوع‌ها، نشان روشنی از گرایش افراطی انسان اقتصادی به سوی کسب درآمدهای بادآورده می‌باشند.

هیچگونه روش شناخته شده جامع قابل تقلیدی برای رویارویی با فساد مالی یا رانت‌خواری وجود ندارد و تنها با کنترل‌های مالی، مقابله با پولشویی و اجرای صحیح قوانین است



محیط اقتصادی  
تورمزا، گرانش افراد  
برای کسب درآمد از  
طریق ورود و خروج  
از بازار بدون کسب  
مطلوبیت نهایی  
مصرف و تنها به  
اتکای کسب درآمد  
اضافی با انتقال  
قیمت‌های کاذب به  
سایر اقشار جامعه را  
افزایش می‌دهد.



تلاش‌های گسترده در انتخابات مجلس یا ریاست جمهوری با هدف به دست آوردن کرسی‌های نمایندگی جهت کنترل قدرت سیاسی و هدایت منابع مالی به سوی وابستگان، یک هدف است. این پدیده را در انتخابات بیشتر کشورها شاهد هستیم. اقتصاد دولتی با هدف حمایت از گروه‌های سیاسی، سعی در تثبیت شرایط حاکمیت دارد و گروه‌های سیاسی بازنده هم تلاش خود را صرف جلب حمایت مردمی می‌کنند تا دولت حاکم، حمایت مردمی خود را از دست بدهد. این بازی سیاسی همواره در حال انجام است و گروه‌های بازنده و برنده به ترتیب طی زمان جای یکدیگر را می‌گیرند.<sup>(۶)</sup> این تقدم و تأخر به دلیل شکست سیاست‌های اقتصادی و رسیدن به بن‌بست‌های

فعالیت‌های کاذب بشمار می‌رود. دلالتی نیز نمونه بسیار خوبی از انحراف گرانش‌های اقتصادی از فعالیت‌های مولد به سوی حرکت‌های غیر مولد است.

### اقتصاد دولتی و فساد مالی

اقتصاد دولتی به ساختاری از اقتصاد اطلاق می‌شود که عامل تخصیص منابع، بیشتر دولت باشد تا بازار. در این شرایط، دولت از طریق نهادهای تحت پوشش خود، سازوکار توزیع امکانات را فراهم می‌سازد. تمامی سعی دولت‌های کشورهای در حال توسعه، همانا کنترل منابع اقتصادی بخش خصوصی و دولتی است، اقدامی که از طریق سیاست‌های مالی و پولی صورت می‌گیرد. طبیعی است که اقتصاد دولتی کارایی و اثربخشی اقتصاد بازار را ندارد و بهره‌وری در اقتصاد دولتی بسیار اندک است. البته ساختارهایی مانند اقتصاد چین مبتنی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ابعاد بسیار گسترده است، و از اینرو، این مورد جزو موارد خاص طبقه‌بندی می‌شود. از جمله معضلات اقتصاد دولتی، می‌توان به دو پدیده رانت‌خواری و فساد مالی در دستگاه‌های دولتی اشاره کرد. همین امر باعث گردیده است که سیاست خصوصی‌سازی در محور کارها قرار گیرد و دولت نسبت به کوچک‌سازی ابعاد اقتصادی اهتمام ورزد. این تصمیم‌گیری‌ها بسیار اثربخش و در خور توجهند، زیرا دولت می‌داند و آگاه است که در هر پروژه عمرانی که در سطح ملی به اجرا درمی‌آید، زمینه ارتشا و فساد مالی گسترده می‌شود، اما چاره‌ای جز این نیست که این فضا را بپذیرد و آثار منفی رشد اقتصادی را متحمل شود. به عبارت ساده‌تر، تضاد بین رشد اقتصادی و توزیع نابرابر ثروت، به دلیل روشن نبودن فضای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتناب‌ناپذیر است. نارسایی بوجود آمده، محصول رانت‌های اقتصادی و فساد مالی در صحنه جنگ قدرت بین گروه‌های سیاسی حاکم می‌باشد.





## جامعه اطلاعاتی با فساد مالی دستگاه‌های بور و کراتیک ناسازگار است.

کنترل تلاطم‌های اجتماعی و اغتشاش‌ها مؤثر باشد. عزت نفس، کامل‌ترین مرحله حیات اقتصادی انسان‌ها است. به‌طور معمول، این مرحله مربوط به سنین میان‌سالی است، سنینی که انسان خود را در مقابل جامعه و بهتر بگوییم در مقابل تاریخ پاسخگو می‌یابد. در این مرحله، مسأله زیاده‌خواهی کم‌رنگ می‌شود و انسان احساس می‌کند که در مقابل جامعه باید مسوولیت پذیر عمل کند. با توجه به این واقعیت، گزینش کارگزاران سیاسی باید آنقدر با دقت انجام شود که افراد نسبت به جایگاه اجتماعی خود احساس دین داشته باشند. تفاوت عملکرد جامعه غرب با جوامع مشرق زمین در این است که در غرب افراد تجربه خود را در فضای بخش خصوصی به دست می‌آورند و پس از کار آزموده شدن، وارد مجاری بخش دولتی می‌شوند، در حالیکه در مشرق زمین فرد تجربه خود را در بخش دولتی کسب می‌کند و سپس به سوی بخش خصوصی هدایت می‌شود. از همین رو، در مشرق زمین همیشه بخش دولتی آسیب‌پذیر است، زیرا تجربه اندوزی افراد جوان است. این چالش در نوع خود بسیار جدی است و رهبران سیاسی نیز همواره تمایل به از بین بردن ریشه‌های فساد دارند، با وجود این، میزان موفقیت اندک است.

در عمل مراحل گزینش و ارتقای افراد می‌بایست بر مبنای شایسته‌سالاری صورت گیرد. اگر جامعه هوشمند عمل کند، این نارسایی به کمترین حد خود کاهش می‌یابد. متأسفانه باید اعتراف کرد که مسیر رسیدن به جامعه هوشمند، قدری پیچیده و تنگ و تاریک است.

سیاسی است. در کشورهای صنعتی، دوره چرخش قدرت حداکثر هشت تا ۱۲ سال است، در حالیکه این فرایند در کشورهای در حال توسعه تا چند دهه طول می‌کشد.

رانت‌های اقتصادی و پول‌های بدست آمده از فساد مالی، به‌طور معمول در بانک‌های بین‌المللی نگهداری می‌شوند، به همین دلیل، ابرقدرت‌ها از مسأله تحریم افراد و بستن حساب‌های مالی آنها در زمان‌های حساس و کلیدی بهره‌برداری می‌کنند. بازار مهاجرت و تحصیل برون مرزی هم از این رهگذر بی‌نصیب نمی‌مانند.

بنابراین، ملاحظه می‌کنید که دولت‌ها در سایه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، منابع مالی را به سمت و سوی فعالیت‌هایی سوق می‌دهند که در آنها رانت‌های مالی چشمگیری دیده می‌شود. برای جلوگیری از فسادهای حاصله، قانون مبارزه با پولشویی، ابزار مناسبی است که دولت‌ها می‌توانند برای دستیابی به عدالت اجتماعی از آن بهره‌برداری کنند. قابل توجه آن که پدیده فساد مالی (Financial Corruption) در بیشتر جوامع دیده شده و عمدتاً محصول سیری ناپذیری انسان‌های اقتصادی است.

### رویارویی با چالش

برای رویارویی با چالش فساد مالی و رانت‌خواری، پذیرش اصل عزت نفس، کلیدی‌ترین گام در جهت حل مسأله است. اگر این حرکت از سوی نخبگان آغاز و مدیریت شود، می‌تواند در

#### منابع

- (۱) مراجعه شود به کتب دانشگاهی اقتصاد خرد.
- (۲) عبیری، غلامحسین/۱۳۷۹/آزادسازی؛ نظریه‌ها، روش‌ها و کاربردها/انتشارات ثمین/تهران.
- (۳) مراجعه شود به سایت‌های اینترنتی مربوط به Money Laundering.
- (۴) عبیری، غلامحسین/۱۳۸۸/آزادسازی؛ خصوصی سازی، رقابت پذیری و ارتباطات/انتشارات آیدن/تهران.
- (۵) مراجعه شود به [www.transparency.org](http://www.transparency.org)
- (۶) مراجعه شود به تئوری بازی‌ها (Game Theory).